

بررسی روش های تحمل افکار و رفتار دیگران براساس تعالیم اسلامی

شیرین شفیعی^۱

محمدسعید شفیعی^۲

چکیده:

پیرو فرمایشات ریاست محترم دولت تدبیر و امید مبنی بر نحوه تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدرسه که در آغاز سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مطرح گردیده بود، باید به این موضوع پرداخت که چه روش هایی جهت تحمل رفتار و افکار دیگران باید در نظر گرفته شود؟ با توجه به اینکه در تعالیم اسلامی پاسخ جامع و کاملی نسبت به این قبیل پرسش ها وجود دارد، لذا پس از استخراج محورهای بحث از تعالیم اسلامی در تبیین موضوع بهره خواهیم برد. براساس مطالعات انجام شده، جهت تحمل افکار و رفتار دیگران باید به این موارد توجه نمود: احترام به طرز تفکر دیگران، احترام به عقاید مذهبی و مقدسات، عدم توجه به وضعیت ظاهری افراد، عدم توجه به وضعیت مالی افراد، عدم توجه به مسائل قومیتی، احترام و رعایت کرامت انسانی، خوش بینی، عدم نقد و قضاوت دیگران، صبر و بردباری نسبت به دیگران، داشتن ظرفیت نقدپذیری و... لازم به ذکر است که تمامی مؤلفه هایی فوق از جمله هنجارهای اخلاقی و اجتماعی است که در دین مبین اسلام بارها به آن اشاره گردیده و آیات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. در این مقاله پس به بررسی معیارهای فوق در تعالیم اسلامی خواهیم پرداخت تا بتوانیم روش های مناسبی را جهت تحمل افکار و رفتار دیگران در جامعه (و مخصوصاً در مدرسه) به عنوان مرکز آموزش و تعالی انسانی ارائه دهیم.

کلمات کلیدی: تحمل رفتار، اخلاق، تعالیم اسلامی، معیارهای اخلاقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ نویسنده و مسئول - کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

dr.shafiei.ms@gmail.com

^۲ نویسنده و مسئول - استاد دانشگاه اصفهان :

۱-۲-۱-۱ مقدمه:

هر انسانی دارای خصلت یا رفتار و با عقیده و بعدی است که از نظر وی کاملاً و یا تا حدودی پسندیده و مطلوب است. این فرد در جامعه در تعامل با دیگران رفتار و عقیده خود را ابراز می‌دارد که گاهی تأیید و گاهی نیز مورد مخالفت دیگران قرار می‌گیرد. برای اینکه تقابلات و تعاملات اجتماعی با حفظ آرامش و سلامت اجتماعی صورت پذیرد، وظیفه دیگران این است که به عقاید و رفتار وی احترام گذارند و وی را تحمل نمایند. گاهی تحمل رفتار و افکار دیگران با توجه به اینکه با معیارهای اخلاقی و رفتاری انسان در تضاد هستند، بسیار مشکل و آزاردهنده است. اما همان طور که ذکر شد، به منظور حفظ احترام جامعه باید این احترام متقابل صورت پذیرد. برای اینکه بتوان رفتار و اخلاق دیگران را تحمل نمود باید احترام به دیگران را در سرلوحه رفتاری خود قرار داد. خداوند در آیاتی بر لزوم حفظ بزرگی و احترام او از سوی انسان‌ها تأکید کرده است. (انعام، آیه ۱۰۸؛ فتح، آیه ۹؛ رحمان، آیات ۲۷ و ۲۸؛ نوح، آیه ۱۳؛ علق، آیه ۳). خداوند ضمن بیان کلیاتی درباره چگونگی احترام گذاشتن، موارد و مصادیق جزئی را نیز مطرح می‌کند تا انسان‌ها بیاموزند که چگونه باید حرمت نگه دارند و احترام کسی را به جا آورند و تکریم نمایند؛ چرا که انسان با عمل اخلاقی، نشان می‌دهد تا چه اندازه فضایل اخلاقی در او رسوخ کرده است. حرمت و احترام قانون‌های مکتوب و شفاهی که در قالب آداب و رسوم و هنجارهای اخلاقی و عقلایی در جامعه رواج یافته و نیز تکریم و احترام اماکن مقدس نیز از مصادیقی است که در قرآن به آن اشاره شده است. به هر حال، انسان‌ها موجودات دارای کرامت و احترام هستند و نمی‌توان بی دلیل بی حرمتی درباره ایشان روا داشت. از این رو خداوند همه بشر را مورد تکریم کلی قرار داده مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در مجموع باید گفت تکریم هر انسانی، یک اصل است و حرمت وی می‌بایست نگه داشته شود.

۱-۲-۱-۲ معیارهای اخلاقی در تحمل رفتار دیگران:

۱-۲-۱-۳ احترام به عقاید مذهبی و مقدسات:

قرآن کریم ضمن تکریم و احترام به پیامبران و کتب آسمانی سابق، آنها را تصدیق می‌کند. حدود بیست آیه قرآن کریم در تصدیق و تایید تورات و انجیل است. اساساً این سنت الهی است که هر پیامبری، پیامبر پیشین را تایید و هر کتاب آسمانی، کتاب آسمانی سابق را تصدیق می‌نماید. ناگفته نماند تایید تورات و انجیل از سوی قرآن کریم، به معنای تایید تورات یا انجیل فعلی نیست؛ چون دست تحریف آن دو را در امان نداشته است: «إِلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (و کتاب آسمانی (قرآن) را به راستی و درستی بر تو نازل کردیم که همخوان (مصدق) با کتاب‌های آسمانی پیشین و حاکم بر آنهاست. پس در میان آنان بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، داوری کن) (مائده: ۴۸) قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که کافران را دشنام و ناسزا ندهند؛ چه این که آنان نیز در مقابل و از روی دشمنی به خدا ناسزا می‌گویند (انعام: ۱۰۸) و نیز از مؤمنین می‌خواهد با کسانی که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند، دوست نشوند (مائده: ۵۷) (مصدقی، ۱۳۸۹: ۶) بسیاری از اختلافات موجود در میان مسلمانان، از تعصبات افراطی مذهبی و توهین به مقدسات و ارزش‌های مذاهب یکدیگر، سرچشمه می‌گیرد. رویه‌ای که در طول تاریخ جز تشمت، تفرقه، شعله‌ور ساختن آتش اختلافات و ریشه دواندن کینه و عداوت چیزی دیگری را عاید مسلمانان نکرده است. انجام این گونه رفتارهای ناپسند از سوی برخی افراطیون، نه تنها از نظر عقل و وجدان

محکوم است، بلکه شرع مقدس اسلام نیز آن را شدیداً تقبیح نموده است. تا جای که حتی قرآن کریم توهین نمودن به سران کفر را نیز منع فرموده است: «لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم...» (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل خدا را دشنام دهند (انعام: ۱۰۸) حضرت علی (علیه السلام) به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می دادند فرمود: «انی اکره لکم ان تکونوا سباین و لکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتم جهالهم کان اصوب فی القول و ابلغ فی العذر» (من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آنها را بر شمردید و حالات آنها را متذکر شوید به حق و راستی نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر) (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷) وقتی که قرآن کریم و بزرگان دین حتی اجازه ی توهین به کفار را نداده است، واقعا جای سؤال دارد که برخی از افراطیون با چه مجوزی به خود اجازه می دهند که با نقاب دین به مقدسات دیگران توهین و بی احترامی کنند؟ و حتی گاهی گام را فراتر از آن برداشته و به تخریب مقدس ترین مکان ها می پردازند و دل میلیون ها انسان آزاده و مؤمن را جریحه دار می سازند. رفتار زشت و ضد انسانی آنان جز لطمه وارد نمودن بر پیکره ی امت اسلامی چیزی دیگری را برای آنان به ارمغان نمی آورد. اگر در صدد ایجاد وحدت اسلامی هستیم باید فرهنگ احترام گذاشتن به عقاید و مذاهب اسلامی را در میان امت اسلامی نهادینه نماییم. بدون شک قبول یکدیگر و احترام گذاشتن به عقاید و مقدسات یکدیگر و خودداری نمودن از توهین به مقدسات، یکی از مؤثرین اقدامات عملی در راستای تحقق وحدت میان فرق اسلامی به شمار می رود (زکی، ۱۳۸۶: ۵)

۱-۲-۴ عدم توجه به وضعیت مالی افراد :

در حکمت ۵۶ حضرت می فرماید: بی نیازی در غربت، مثل وطن است و فقر در وطن، عین غربت. جوامع به دو دسته جوامع مادی گرا و ثروت مدار و جوامع ارزشمدار تقسیم می شوند. در جوامع مادیگرا، ثروتمندان مورد توجه هستند هر چند غریب باشد، زیرا ثروت احترام دارد. اما در اسلام کسی که ثروت تولید می کند احترام دارد. پیامبر دست کارگر را می بوسد نه پول را. اگر در جامعه ای ثروت بت شود، فقرا مورد بی احترامی قرار می گیرند. در حدیث آمده است «فقر، انسان زیرک را گنگ می کند» از نظر اسلام این نوع نگاه به ثروت محکوم است. در جوامع پست، انسانهای فقیر مورد بی احترامی و انسانهای ثروتمند مورد احترام هستند. در حدیث دیگری معصوم بیان کرده است: «هر کس به فرد ثروتمندی به خاطر مالش احترام بگذارد، دو سوم دینش از دست می رود.» ثروتمندان نباید دلشان را به احترامی که به آنان می گذارند خوش کنند چون افراد بیشتر به مال آنان احترام می گذارند. حضرت علی (ع) در حکمت ۴۰۶ بیان می کند: «چقدر تواضع ثروتمندان در برابر فقرا خوب است و بهتر از تواضع ثروتمندان، بی اعتنائی فقرا به ثروتمندان است.» اگر ثروتمند نسبت به فقیر تواضع داشته باشد، چون نیازی به او ندارد، احترامی که به فقیر می گذارد خالص است و به خاطر خداست. اما اگر برعکس آن اتفاق بیفتد، برداشت دیگری می شود. خدا نکند ثروت در جامعه ای بت شود، آن وقت همه چیز به هم می ریزد و به خاطر پول بهترین قانونها زیر سوال می رود. نظر اسلام بر ارزشمداری است. اگر این دیدگاه در جامعه حاکم شود دیگر کسی رشوه نمی گیرد، دزدی نمی کند، آدم ربایی و جنایت کم می شود، قوانین درست اجرا شده و مشکلات هم کم می شود. فقرا، در جامعه ای که ثروت ارزش می شود، دارای دو مشکل جسمانی و روانی هستند. کسانی که می خواهند سبک زندگی شان را علوی کنند، باید مراقب احترام گذاشتن خود باشند (نظافت، ۱۳۹۳: ۲۹)

۱-۲-۵ عدم توجه به مسائل قومیتی:

به فرموده قرآن کریم نیای همه افراد بشر، یک مرد و یک زن یعنی همان آدم و حواست: «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید، و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکند، بترسید» (نساء: ۱). اما با این

وجود با گذشت زمان و ادامه نسل بشر و گسترش محل زندگی آنان متناسب با شرایط محیط زندگی و اختلاف آب و هوایی، ظاهر انسان ها به شکل های گوناگون و متفاوت از یکدیگر پدیدار گشت و نژادهای مختلف بشری در روی زمین شکل گرفت که موجب تنوع زبانی و تنوع ادیان می گردد که در ذات انسانیت واحد و مشترک می باشند. پس باید همه انسان ها، علی رغم داشتن گرایش ها و جهت گیری های متفاوت، به یکدیگر احترام بگذارند، زیرا همگی در جوهره انسانی با یکدیگر مساوی اند. امام علی (ع) می فرماید: «مردم دو قسم اند، یا برادر دینی تو هستند و یا در خلقت مانند تو می باشند» (نهج البلاغه: نامه شماره ۵۳) قرآن کریم مسلمانان را به داشتن رابطه حسنه با مخالفان دینی خود و نیز ارتباط براساس احترام متقابل، احسان، رعایت حقوق تشویق می کند؛ البته تا زمانی که آنان با مسلمانان رابطه مسالمت آمیز داشته باشند و علیه ایشان دست به تجاوز نزنند، خداوند می فرماید: «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد» (ممتحنه: ۸) پیمان ها و معاهدات صلح را که پیامبر (ص) با قبایل یهود، مجامع نصرانی و گروه های مشرک عرب، بسته بودند، نمونه هایی است که بیان می کند، اسلام به دنبال برقراری روابط انسانی مثبت با افراد مختلف به منظور یک زندگی مشترک و مسالمت آمیز است. تاریخ اسلام نشان می دهد، مسلمانان به دلیل تعالیم و آموزه های اسلامی، به این پیمان ها و معاهدات پای بند بودند، زیرا قرآن می فرماید: «و به پیمان وفا کنید، که از پیمان پرسش خواهد شد» (اسراء: ۳۴) و نیز: «و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفا دارند» (بقره: ۱۷۷) (صفا، ۱۳۸۶: ۶)

۱-۱-۲-۱۶-۱۶-۱۶ رعایت کرامت انسانی :

منشأ احترام به هر چیزی را باید در نحوه ارتباط آن با خدا دانست. هر چیزی که انتساب آن به خدا قوی تر و نزدیک تر باشد از احترام بیش تری برخوردار است. به عنوان نمونه انسان از آن جا ارزش و اعتبار و احترام فزون تری دارد که انتساب آن به خدا از دیگر آفریده ها بیش تر است؛ زیرا انسان تنها موجودی است که روح خدایی خاصی دارد و این امکان را به وی بخشیده است تا از همه اسمای خدا برخوردار گردد و به همین سبب خلافت الهی را به عهده گیرد. این عنوان و توانمندی موجب شد تا همه آفریده های خداوند به انسان سجده کرده و ولایت و خلافت وی را بپذیرند تا این انسان کامل به عنوان نائب و جانشین پروردگار، آنان را به کمال لایق و شایسته برساند. این گونه است که قرآن به مسئله تکریم انسان توجه می دهد. در حقیقت احترام انسان ها، برخوردارگی ایشان از کرامت الهی است که در آیه ۷۰ سوره اسراء به آن اشاره کرده و فرموده است: و لقد کرمنا بنی آدم. انسان از جنبه های مختلف از برتری های بسیاری برخوردار است. ویژگی های فردی انسان به گونه ای است که به طور ذاتی و فطری دوست دار کرامت و حفظ شخصیت، آبرو و نیازمند احترام است. خداوند با توجه به این فطرت انسانی از انسان ها می خواهد که حرمت خویش را نگه دارند و در گفتار و رفتار خویش حفظ آداب و احترام را بنمایند. بسیاری از آموزه های حقوقی و حکمی قرآن ارتباط تنگاتنگی با مسئله احترام و تکریم انسان دارد. از این رو حرمت جان آدمی (انعام آیه ۱۵۱) و یا مال (بقره آیه ۱۸۸) و یا عرض و آبرو (نساء آیه ۱۴۸ و نور آیه ۲۳) در شریعت اسلام و همه شرایع وحیاتی آسمانی مطرح شده و از مردمان خواسته شده که با یکدیگر به سخن نیکو (بقره آیه ۸۳) و دور از تهمت و غیبت و افترا (حجرات آیه ۱۱ و ۱۲) و صدای بلند، یا رفتاری تفاخرآمیز و مانند آن عمل کرده و احترام یک دیگر را نگه دارند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۲: ۸) از آن جایی که قرآن هنجارهای عرفی و عقلی را همانند هنجارهای شرعی دارای ارزش و اعتبار می داند- مگر آن که با اصول اساسی دین در تضاد باشد و کرامت انسانی را از راه دیگر خدشه دار سازد- به بیان چگونگی رفتار بیش تر به اصول اساسی عقلانی و شرعی می پردازد و اصول عقلایی و هنجارهای عرفی را به زمان و مکان وامی گذارد. از این رو در بیان چگونگی سلام و تحیت تنها به این نکته اشاره می

کند که می بایست در آغاز سخن کلام نیکو و سلام و درود را بر زبان راند ولی تاکید می کند که می بایست مراعات آداب و رسوم هر قومی را کرد. به این معنا که نوع و شیوه احترام در نزد انسان ها با قومیت ها و ملیت ها و فرهنگ های مختلف در زمان ها و مکان های گوناگون متفاوت است. بنابراین می بایست در شیوه تعامل و احترام، این شرایط و مقتضیات زمانی را در نظر گرفت. خداوند درباره سلام می فرماید: و اذا حییتهم بتحیه فحیوا باحسن منا او ردوها (نساء آیه ۸۶) اگر به شما سلام و تحیت فرستادند شما بهتر از ایشان عمل کنید و یا دست کم همانند آنان به ایشان احترام بگذارید (نصری، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

۱-۲-۷-۱-۱ احترام به حقوق دیگران :

اگر انسان به دیگران احترام بگذارد دیگران نسبت به وی احترام خواهند گذاشت و اگر به آنها اهانت کند مورد اهانت آنان قرار خواهد گرفت. برای ایجاد یک رابطه عاطفی با دیگران، انسان باید از اعتقاد به بزرگی و برتری خود بر دیگران چشم پوشیده و خود را یکی از آنان و هم ردیف ایشان بداند و حقوق آنها را رعایت نماید. مردم طبعاً کسی را که به آنان اعتماد به نفس بدهد دوست دارند و از کسی که این اعتماد را از آنها سلب کند متنفرند. بنابراین، آن دوستی که بر اساس احترام متقابل استوار نباشد دوستی و ارتباط پایان-پذیر و از همان آغاز محکوم به شکست است. از این رو از پیامبر خدا(ص) و ائمه اهل بیت(ع) روایاتی در لزوم بزرگداشت دوست، اکرام و احترام او وارد شده است تا از این راه روابط آنها تحکیم و دلها تصفیه و بردوستی و برادری آنها افزوده گردد. پیامبر خدا(ص) می فرماید: هر کس برادر مؤمنش را احترام کند خداوند را احترام کرده و چه گمان دارید درباره کسی که خدا را احترام کرده خداوند با او چه کاری خواهد کرد. دستیابی به این اصل مهم هنگامی میسر است که به سطح سخن پیامبر خدا(ص) ارتقا یابیم که فرمود: آنچه برای خود دوست داری برای برادرت نیز دوست بدار و دست بر سر هر که می خواهی بگذار و برای او همان را بخواه که برای خود می خواهی. بهترین مردم کسی است که به دیگران بدون کمترین چشمداشتی احترام بگذارد؛ درست مانند پیامبران که به مردم بی آن که انتظار احترامی از آنان داشته باشند احترام می گذارند و بی آنکه توقع پاداشی داشته باشند به آنان بذل و بخشش می کردند. شعار همه پیامبران این بوده است: بگو هیچ پاداشی از شما نمی خواهم. (انعام: ۹۰) آیا کسی که به شما چیزی می دهد بی آن که به انتظار پاداشی داشته باشد دوستی خود را بر شما تحمیل نمی کند؟ به کسی که چنین کند علی رغم میل خود، به او عشق می ورزید و این نهایت نیکی در حق اوست. حدیث شریفی می فرماید به هر که می خواهی خوبی کن، در این صورت بر او فرمانروا خواهی شد. امام صادق(ع) نیز می فرماید: مؤمن با هر که روبه رو شود می گوید او بهتر و با تقواتر از من است. و می افزاید هرگاه با بهتر از خود مواجه شود در برابرش فروتنی می کند و هرگاه با بدتر و پایین تر از خود برخورد کند با خود می گوید شاید در ظاهر بد و در باطن خوب است. اگر چنین کند سرور مردم روزگار خویش می گردد (کوهکن، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

۱-۲-۸-۱-۱ خوش بینی (حسن ظن) :

خوش بینی به عنوان یکی از هنجارهای اخلاقی در اسلام مورد سفارش مؤکد قرار گرفته است. خوش بینی به این معناست که فرد در برخوردها، دیگری را متهم نسازد و اصل را بر این نگذارد که همه مردم خطاکار و مشکل دارند. در غیر این صورت فضای بی اعتمادی و بی میلی در اجتماع غالب خواهد شد و دیگر قادر به ادامه زندگی مسالمت آمیز نخواهد بود. در کنار این خوش بینی، و خطاب نیکو و پسندیده و رفتاری با اعتماد نسبت به مردم، باید در گوشه ذهن، احتمالات عقلانی را هم در نظر گرفت، اما لازم نیست به صورت بدگمانی به زبان بیاوریم و در عمل به عرصه ظهور درآوییم. بلکه به عنوان احتیاط و فرضی عقلانی در گوشه ذهن خود داشته باشیم و حواسمان به آن باشد. چون بالاخره انسان ها دچار خطا و اشتباه می شوند، حتی بهترین انسان

ها، خطاهایی که داشته اند که قابل تصور مردم نبوده، حال که چنین است، در نظر گرفتن احتمالات، پسندیده است؛ در عین حال بدگمانی و ابراز آن نیز فضای جامعه را نابسامان کرده و زندگی را مختل می نماید. با همه این احوال در بعضی از موارد، نباید خوش گمان بود، امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: «الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَبَّمَا قَارَبَ لِيَتَعَقَّلَ فَخُذْ بِالْخَزْمِ وَ أَتْهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ»؛ پس از صلح به کلی از دشمن حذر کن، چه بسا که دشمن برای غافل گیر کردن تن به صلح دهد. در این زمینه طریق احتیاط گیر، و به راه خوش گمانی قدم مگذار (نهج البلاغه: ۴۴۲) ایشان در جایی دیگر محدوده خوش گمانی و بدگمانی را چنین بیان می فرماید: «إِنَّ أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَأْوُكِ عِنْدَهُ وَ إِنَّ أَحَقَّ مَنْ سَاءَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ سَاءَ بِلَأْوُكِ عِنْدَهُ»؛ (همانا کسی، مستحق خوش گمانی است، که از تو به او نیکی رسیده و از بلای تو در امان بوده، هم چنین کسی سزاوار بدگمانی است که تو به او بلائی رسانده ای و از تو خیر ندیده) (نهج البلاغه: ۴۳۱) یعنی اگر به چنین کسی بدگمان باشی، راه دوری نرفته ای. هم چنین در کارهای حکومت داری و مملکت داری و کاتبان امر، که متولی امور مردم هستند، از طرف حاکم و والی نسبت به آن ها، نباید خوش گمانی زیاد باشد، بلکه جنبه های احتیاط را باید بیشتر در نظر داشته باشد چون صلاح امور همه مردم به دست این هاست و سهل انگاری و خوش گمانی بی جا، ممکن است، مصلحت نظام و مردم را مورد اختلال قرار دهد. از این رو حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «لَا يَكُنْ اخْتِيَارَكَ إِيَّاهُمْ عَلَي فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِنَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِإِتْعَارْفُونَ [لِفِرَاسَاتِ الْوَلَاءِ بِتَصْنُوعِهِمْ وَ حُسْنِ حَدِيثِهِمْ] خِدْمَتِهِمْ...» (در گزیدن این کاتبان تنها به فراست و اطمینان، و خوش گمانی خود اعتماد مکن که مردم برای جلب نظر والیان به آراستن ظاهر می پردازند، و خوش خدمتی را پیشه می سازند) (نهج البلاغه: ۴۳۷) ... لیکن آنان را بیازمای به خدمتی که برای والیان نیکوکار پیش از تو عهده دار بوده اند، و بر آن کس اعتماد کن که میان همگان اثری نیکو نهاده، و به امانت از همه شناخته تر است - و امتحان خود را داده - که این نشانه خیرخواهی تو برای - دین - خداست و برای کسی که کار او بر عهده شماس است. به طور خلاصه می توان گفت: یکی از اصول همراهی و تعامل در اجتماع، خوش بین بودن و احترام به طرف مقابل است. همه انسانها از فطرت الهی بهره مندند. اگر فشارها و هوسها برداشته شود، پاکی و اصالت آنان ظاهر می گردد. از این رو، قرآن کریم، تمسخر دیگران را ممنوع ساخته و از مسلمانان می خواهد که اقوام دیگر را مسخره نکنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید قومی، قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی، زنان دیگر را ریشخند کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب های زشت ندهید) (عبادی و فقیهی، ۱۳۸۹: ۶۵)

۱-۲-۹ انصاف در نقد و قضاوت دیگران :

انصاف از زیباترین خصلت های اخلاقی و از ویژگی های اهل ایمان است. انصاف به معنای اقرار به حقوق دیگران و ادای آن ها و به معنای قسط و عدل پسندیده برای دیگران، همانند آنچه را که برای خود می پسندد. انصاف دارای انواع و اقسام متعددی است از جمله انصاف در سخن، انصاف در عمل، انصاف در قضاوت، انصاف در معامله و ... که رعایت آن بسیار سخت و دشوار است. پیامبر اکرم (ص) در سفارش به امام علی (ع) فرموده است سه چیز سرور اعمال هستند انصاف، مواسات و ذکر خدا. واقعیت این است که اگر کسی این سه صفت را در خود، پیاده کند، جلوه ایمانش بروز و ظهور بیشتری دارد، به عبارت دیگر، فرد مؤمن صفات متعددی در خود دارد، اما این سه ویژگی در وی جلوه بیشتری خواهد داشت و همین است معنای سرور بودن این سه صفت. در روابط اجتماعی روزمره، انصاف، مواسات و ذکر خدا، بیشتر دیده می شود و مردم از فرد با ایمان با ایمان انتظار دارند که اهل انصاف و

مواصات باشد و در همه حال، یاد خدا باشد، در قضاوت، شهادت، راست‌گویی و ... خدا را در نظر داشته باشد و جزء سخن نگویید. حدیثی از امام صادق (ع) از این سه خصلت به سخت‌ترین تکالیف الهی بر بندگان یاد کرده و فرموده است: «سخت‌ترین تکالیف الهی بر بندگان سه چیز است، اول رعایت انصاف میان خود و دیگران به طوری که چنان با برادر مسلمانش رفتار کند که دوست دارد او با وی چنان رفتاری داشته باشد، دوم مساوات در مال نسبت به برادر دینی خود سوم در هر حال به یاد خدا باشد، البته مقصود از یاد کردن خدا این نیست که پیوسته «سبحان الله و الحمد لله» بگوید بلکه مقصود این است که اگر با کار حرامی مواجه شد خدا را در نظر بیاورد و آن کار را انجام ندهد. در تداوم و تعمیق مناسبات انسانی، برخی از عوامل اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند، از آن جمله «انصاف» است. یعنی آنچه برای خود می‌پسندیم برای دیگران هم نپسندیم. رعایت انصاف در اخلاق اجتماعی امری لازم و ضروری است و از لوازم مهم زندگی اجتماعی به‌شمار می‌آید که نمی‌توان آن را جز در سایه عدالت و شرح صدر دریافت، حضرت رسول خدا (ص) خود نمونه‌ای عالی رعایت انصاف بودند تاحدی که در نگاه کردن به یارانش دست از انصاف و رعایت مساوات بر نمی‌داشتند، امام صادق (ع) در این باره فرمود «رسول خدا نگاه‌های خود را در میان اصحابش تقسیم می‌کرد و به این و آن به‌طور یکسان می‌نگریست. نبی مکرم اسلام (ص) چهار معیار را برای شبیه‌ترین افراد به وجود مبارکش ارائه داده که یکی از آنها «انصاف» است چنان‌که به علی (ع) فرمود «آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه‌تر است؟ عرض کردند آری! ای رسول خدا، فرمود، آن کس که از همه شما خوش اخلاق‌تر و بردبارتر و به خویشاوندانش، نیکوکارتر و با انصاف‌تر باشد، رسول خدا (ص) مؤمن حقیقی را کسی می‌داند که با انصاف باشد و می‌فرمود: «هر کس به نیازمند، کمک مالی کند و با مردم منصفه رفتار نماید چنین کسی مؤمن حقیقی است. علی (ع) فرمود: «انصاف برترین ارزش‌ها است» و نیز فرمود «عادل‌ترین مردم کسی است که نسبت به کسی که به او ظلم کرده با انصاف رفتار کند انصاف نشانه ایمان واقعی، مایه آسایش و موجب عزتش بیافزاید. مرحوم شیخ انصاری در مباحثات علمی پس از نقد و بررسی اقوال و ادله یکی از قواعدی که همواره بر روی آن تکیه می‌کند انصاف است. انصاف در نقد اقوال و نقد عملکردها بسیار مهم است، در دعای مأثور از امام زمان (عج) آمده: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة... و علی الرعیة بالانصاف» این جمله نشان می‌دهد که کارگزاران حکومت باید نسبت به رعیت و توده مردم با انصاف رفتار کنند، هم‌چنان‌که علی (ع) به مالک اشتر به همین موضوع فرمان می‌دهد، زیرا محور و اساس جامعه اسلامی بر انصاف استوار است. امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید: «نسبت به خدا و بندگان انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف پیشه خود نسازی ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خدا دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد دلیلش را باطل می‌کند [عذرش را نمی‌پذیرد] و چنین شخصی با خدا در جنگ است مگر آنکه دست از ستم بردارد و توبه کند. خداوند متعال در آیات ۴۴ تا ۴۷ سوره مائده به انصاف اشاره داشته است هم‌چنین در آیه ۱۳۵ سوره نساء فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدُوا وَإِن تَلَوْا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض کنید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. هم‌چنین، خداوند متعال در آیه ۱۵۲ سوره انعام در این رابطه می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفْ نَفْسًا وَلَا أُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (و به مال یتیم جز به نحوی [هر چه نیکوتر] نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد و پیمانانه و ترازو را به عدالت تمام بپیمایید هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوئید

دادگری کنید هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید این هاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که پند گیرید) (مظاهری و آل اسحق، ۱۳۹۰: ۶۳)

۱-۲-۱-۱ صبر و بردباری نسبت به دیگران:

به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در خصوص ارتباط با دیگران، صبر و تحمل در برابر دیگران، یکی از راهکارهای اساسی در حفظ و تحکیم ارتباط محسوب می گردد. تحمل رفتار و عقاید دیگران و عدم مقابله با آنان - در صورتی که مغیار با اصول اسلامی نباشد - از واجبات دین محسوب می گردد و در تعالیم اسلامی بارها به آن اشاره گردیده است. انسانها در زندگی خود با افکار و عقاید گوناگونی، موافق یا مخالف برخورد می کنند، که به لحاظ اهمیت، انسان را به موضع گیری های متفاوتی وادار می کند؛ لذا قرآن کریم به مؤمنان سفارش می کند که برای مقابله با عقاید باطل و رفتار خشونت آمیز دشمنان اسلام، صبر پیشه کنند و به بهترین وجه به مقابله با آنها برخیزند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عداوةٌ كَانَتْهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُوْ حَظًّا عَظِيمٌ» (بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند، به این مقام نمی رسند، و جز کسانی که بهره ی عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند، به آن نایل نمی گردند!) (فصلت: ۳۴ و ۳۵)

۱-۲-۱-۱ نتیجه گیری:

براساس مطالب ذکر شده در این مقاله، به منظور ایجاد جامعه ای عاری از تضاد و مجادله و نیز ایجاد محیطی دوستانه در اجتماع، افراد باید رفتار و اخلاق های یکدیگر را تحمل نمایند تا بتوانند به راحتی در کنار یکدیگر دارای زندگی اجتماعی مطلوبی باشند. با توجه به اهمیت این موضوع، دین مبین اسلام به عنوان دینی که مهربانی و شفقت، اخلاقیات و کرامت انسانی را در سرلوحه تعالیم خود قرار داده است، به مواردی چند جهت تحمل رفتارها و اخلاق ها اشاره گردیده است. جهت تحمل اخلاق و رفتارهای دیگران، معیارهای اخلاقی ای وجود دارد که در این مقاله بررسی و به آیات، احادیث و روایات مرتبط اشاره گردیده است. از جمله این معیارها می توان احترام به عقاید مذهبی و مقدسات، عدم توجه به وضعیت مالی افراد، عدم توجه به مسائل قومیتی، احترام و رعایت کرامت انسانی، احترام به حقوق دیگران، خوش بینی (حسن ظن)، انصاف در نقد و قضاوت دیگران و صبر و بردباری نسبت به دیگران را نام برد.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- زکی، عبدالله. (۱۳۸۶)؛ لزوم نهادینه نمودن فرهنگ احترام به عقاید یکدیگر، پایگاه اطلاع رسانی امت واحد، قابل دسترس در: <http://ommatwaheda.com>
- ۲- صفار، حسن. (۱۳۸۶)؛ وحدت ملی و همبستگی اسلامی از نگاه قرآن و سنت، مجله حصون، شماره ۱۴.
- ۳- عبادی، ندا و فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۹)؛ بررسی اثربخشی آموزش مثبت نگری در افزایش امید به زندگی زنان بدون همسر در شهر اهواز، مجله روان شناسی و دین، سال ۳، شماره ۲.
- ۴- کوهکن، علیرضا. (۱۳۸۷)؛ مؤلفه های سرمایه اجتماعی اسلامی، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۱۷.
- ۵- گروه نویسندگان. (۱۳۹۲)؛ شاخص های کرامت انسان در آموزه های قرآن، مجله پایدار اسلام، شماره ۳۷۹.

- ۶- مصدقی، امیر. (۱۳۸۹)؛ احترام به افکار و مقدسات یکدیگر، پایگاه اطلاع رسانی تبیان، قابل دسترس در <http://tebyan.ir> :
- ۷- مظاهری، معصومه و خوئینی، زهرا. (۱۳۹۰)؛ قاعده فقهی، حقوقی انصاف، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۷.
- ۸- نصری، عبدالله. (۱۳۸۵)؛ مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ سوم.
- ۹- نطافت، محمدجواد. (۱۳۹۳)؛ نهج البلاغه و زندگی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی